



نگارش -
او گوستوس میور

لرد بایرن

شاعری حادثه جو با کیفیتی
افسانه وار آخرین سالهای
زندگی خود را وقف هوا
خواهی از کشور کوچکی
میکند

در سن ۳۶ لرد بایرن

سالگی دنیا را
بلزود گفت در ده سال اخیر
عمرش محبوبترین شاعر انگلستان
بوده و شهرت او در موادش
هرگز بدانپایه نرسیده بود ولی
بعد از آن صیت اشتهاش
جهانگیر شد و بخصوص در
قطعه اروپا حتی هنوز هم
معروفترین شاعر انگلیسی
محسوب میشود - علت این
امر رویهمرفته در جذابیت

اشعار او نیست بلکه شخصیت رمانتیک وی باعث
این شهرت گشته بود .

مردم نسبت باین شاعر خوش ذوق عقابند بسیار
مختلفی دارند ولی هر کس هر چه در باره او معتقد
باشد این مطلب تردید ناپذیر است که روح بایرن
از افسون زیبایی و شیوایی آکنده شده و حادثه ای
که بمرگ غم انگیز و دلاورانه وی منتهی گشت
بر روی زندگی او شعاع فریبندگی افکنده است -
کثیر شاعری مثل بایرن در منظومات خود پرده

از روی مکتوبات ضمیر خویش بر افکنده است در
واقع بسیاری از اشعار او قطعات درخشانی از شرح
زندگی او هستند و اغلب آنها گوشه ای از قلب
پر حرارت او را روشن و آشکار میسازند کسی
نمیتواند باور کند تصویریکه او از خویشتن مجسم
میسازد حقیقت داشته باشد زیرا او همیشه مایل
بوده در داستانی که خود مینگاشته شرکت داشته
باشد و در آنجا خودی نماید - او پرده مرموز و
افسانه مانندی بر روی ریشه خود با زنان میاندازد

آنکه چنین مینماید که پرده را بیکسو میزند و خود را مانند سنگدلی که قلب بسیاری شکسته است آشکار میسازد.

زندگی او سراسر شور و غوغا احساسات و عواطف بیباکی و آزادگی است - چقدر تأثر انگیز است که این مرد اصیل زیبا چهره با آن تناسب اندام در تمام مدت حیاتش بواسطه نقصی که در پایش بود بلندگد - با وجود بلندی نظر و وفای راسخ بایرن گاهی بی عاطفه میشد - جای تعجب نیست که با سیرتی آنقدر غیر معمولی بایرن جلب توجه توده را کرده و چنین شهرتی در شاعری کرده باشد.

اولین کتاب منظوم او وقتی منتشر شد که او هنوز ۱۹ سال داشت و دانشجوی دانشکده کامبریج (۱) بود - هر چند از نظر نظم این کتاب حکایت از طبع سرشار و آینده بزرگ نگارنده میکرد ولی خود کتاب چندات ارزش و اهمیتی نداشت و تیکه این کتاب مورد حمله و انتقاد یک مجله اسکاتلندی واقع شد بایرن در پاسخ این انتقاد هجائیه ای بنام شعرای انگلیسی و منتقدین اسکاتلندی (۲) بسرود - این منظومه خوب مینمود که حکم سراینده تا چه حد نافذ و روان و هوش و قریحه او چقدر لطیفه پرداز و طبع وی تا چه اندازه کینه توز است.

بایرن مسافرتی بسواحل مدیترانه نمود بعد از مسافرت بانگلستان دو قطعه اول کتاب چاپلد هارولد (۳) را که داستان منظوم مفصلی بود منتشر کرد - این کتاب چنان جلب نظر توده را نمود که شاعر جوان حق داشت بگوید - یک روز صبح از

۱ Cambridge

۲ English Boards & Scotch Reviewers

۳ Childe Harold

خواب برخاستم و خود را مشهور یافتیم - بایرن در این وقت ۲۴ سال داشت در مدت چند سال بعد یک رشته داستانهای منظوم بسیار ممتازی که شامل گایور (۳) و بریدج او آیدوس (۵) بود بطبع رسانید در ضمن بشگارش منظومات کوتاه تری هم مشغول بود که در میان آنها شعر (۶) رؤیا بسیار برجسته است و منظومه تاریخی از آنهام قشنگتر و دلپذیر تر است - در این شعر بایرن با زیبایی بسیار عالی دنیائی را که ظلمت تدریجی آنرا احاطه میکند مجسم نموده و آخرین موجودات زنده آنرا که در تاریکی در تقلائی حیات میکوشند توصیف میکنند.

بسیاری از غزلیات وی مانند او در جمال (۷) میخرامد از آتش احساسات شاعرانه شعله کشیده و برای بعضی از آنها آهنگ ساخته شده و محبوبیت عمومی یافته است - غزل « ما را هوای سیر و سیاحت (۸) دگر بس است » در مدت یک قرن در مهمانیها با کمال خوشی خواندن آن درخواست میشد و هنوز هم خوانده میشود - زندگی بایرن از سال ۱۸۱۲ دگرگون شد در اینوقت بایرن انگلستان را برای آخرین دفعه ترک نمود - بایرن با دختر جوانی که وارث ثروت هنگفتی بود ازدواج کرده بود و بعد از مدت کوتاهی محبت و بدبختی آنها یکدیگر را طلاق گفته اینطور استنباط میشد که بایرن با زنت خود بد رفتاری مینموده بدین سبب عده زیادی باو آن علاقه و محبت سابق را نداشتند بایرن این حقیقت تلخ را متوجه شده جلای وطن اختیار کرد و دیگر بار بمیهن خود

۴ The Giavur

۵ The Bridge of Abydos

۶ The Dream

۷ She Walks in Beauty

۸ We'll Go No More a Roving

همه چیز حتی جان خود را برای کمک با استقلال یونان ایثار نماید بکشتی نشست و بسوی یونان روانه شد - بایرن در چندین شعر مینماید که تا چه اندازه آرزوهند اعاده عظمت یونان قدیم بوده است مثلا در منظومه «در جزایر (۱۰) یونان» مینگارد - کوهها بدشت مارائن متوجه - و مارائن بدریا مشرف - و من در آنجا باندیشه مشغول - در عالم رؤیا میدیدم که هنوز یونان میتواند آزاد باشد - او میگوید تا شاید بعضی قدرتهای اسپارت دوباره دنیا آمده و یونان تازه ای بوجود آرد - بایرن وقتی به میسو لوتگی رسید در آنجا اغتشاش حکمفرمائی میکرد او در این موقعیت استعداد خود را برای پیشوائی و ریاست آشکار ساخت - یونانیها ورودش را خیر مقدم گفته و او را تاجی خود شمرند - آنها شنیده بودند که او در کشتی خود ناخوش افتاده روزی طوفان و صاعقه در آسمان پدید آمد یونانیها این علائم آسمانرا بفال بد گرفته سخت بترسیدند حقیقت تلخ بزودی رخ بنمود بایرن در گذشت این خبرها چون ناقوس مرگ در انگلستان منعکس شد دیگر تقصیرات او در مقابل وقف جان خود برای یک امر شریف هیچ چیزی نمینمود مرگ تاثر انگیزش در ۳۲ سالگی اتفاق افتاد - بایرن در میان شهرهای انگلستان بزرگترین شخصیت رمانتیک را حائز است - زندگی و نگارشات او تار و پود قماش رنگارنگی را تشکیل میدهد که امروز بافاته های بایرونیک معروف است .

۱۰ In the Isles of Greece

باز نگشت - انتشار دو قطعه آخر چایلد هارولد بر شهرت او افزود در این اسانه منظوم بسهوات میتوان مشاهده نمود که بایرن خود را در شکل قهرمان سودائی آن داستان ظاهر ساخته است - شاید مشهورترین سطورری که او نوشته است در سومین بند این کتاب باشد در جائیکه شب بروکسل را تعریف میکند (شب قبل از جنگ واترلو) اینطور میسراید

آهنگ شادی و فریاد عیاشی در شب بلند بود . پایتخت بلژیک جمال و دلیری را توام داشت .

چراغها بر روی زنان زیبا و مردان برنا نور افکنده بود .

هزار قلب در شادی میطنپید و وقتیکه آهنگ نغمه ای بلند شد و اهواج دل انگیز آن در فضا پیچید .

بعشق دلربائی آن دیدگان گیرا چشمان برنائی جواب میگفت .

همه چیز مانند ناقوس عروسی بشادی میگدشت اما خاموش شوید خاموش صدای ناقوس مرگ بگوش میرسید .

در کتاب دان جوان (۹) که شاید بزرگترین شعر او باشد بایرن قوای تزیید فکری و استعداد و قریحه سرشار خود را در سرودن مزییات اخلاقی آشکار ساخته است - این شاهکار او بیابان نرسید زیرا بایرن که قبلا مراقبتی نسبت به مجاهدت میهن پرستان ایتالیا از خود نشان داده بود بهمین عزم بکمک یونان شتافت این مسافرت باخترین حادثه دوره حیات او منتهی گشت - او بعزم اینکه

۹ Don Juan